

ازدواج کشیش‌ها و قوانین و مناصب زنان روحانی در کلیسای انگلیکن

منصوره نجات‌نیا^۱، بخشعلی قنبری^۲، محمدرضا عدلی^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۸/۲ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵)

چکیده

مذهب انگلیکن از جمله فرق برجسته مسیحیت، با پایه‌گذاری و مرجعیت در کلیسای اسقفی انگلیس تأسیس شده است. شاخه‌ای مستقل و جدا از کلیسای کاتولیک، پروتستان و ارتدوکس است؛ اگرچه از درون پروتستان شکل‌گیری شد، اما به لحاظ اعتقادی و آیینی با آن تفاوت دارد. ازدواج و مناصب کشیشی از جمله موارد قابل توجه در این مذهب است و قوانین ازدواج در این کلیسا در طول قرون متمادی دستخوش تغییرات و نوآوری‌های زیاد و قابل ملاحظه‌ای شده است. در سده‌های اولیه مسیحیت، اروپای قرون وسطی قوانین را براساس احکام شرعی حاکم به اجرا درمی‌آورد. شورای چهارم لاتران (۱۲۱۵) ازدواج مخفیانه را ممنوع کرد و ازدواج‌ها می‌بایست به‌طور علنی توسط کشیشان در کلیسا اعلام می‌گردید. کلیسای انگلیکن با توجه به سوابق اعتقادی و شرعی موجود در کلیساهای قرون پیش تحولاتی را به‌وجود آورد. مناصب کلیسایی به شکلی تبعیض‌آمیز اعمال می‌شد، به‌طوری‌که زنان به ندرت در جایگاه واقعی خود قرار می‌گرفتند و توانمندی‌های آن‌ها کاملاً نادیده گرفته می‌شد. در این مقاله قوانین وضع شده کلیسای انگلیکن در طی قرون در رابطه با ازدواج کشیشان و چالش‌های پیش‌رو، همچنین مناصب کشیشی زنان و حقوق طبیعی آنان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: ازدواج روحانی، انگلیکن، تجرد، کلیسای اسقفی، مسیحیت، مناصب کشیشی.

۱. دانشجوی دکتری ادیان و عرفان، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛

Email: parsouya@yahoo.com

۲. دانشیار گروه ادیان و عرفان، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)؛

Email: bbqarar@yahoo.com

۳. دانشیار گروه ادیان و عرفان، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛

Email: mod_adli@yahoo.com

مقدمه

منصب کشیش در اکثر کلیساها وجود دارد که در کلیساهای ارتدوکس و کاتولیک، این منصب مورد پذیرش قرار دارد. در کلیساهای انگلیکن [۱، ص ۶۱] و اسقفی این کلیسا در آمریکا و اسکاتلند، با عنوان اپیسکوپال^۱ شناخته می‌شود [۳، ص ۳۰]، نیز جایگاه کشیشی به عنوان یکی از مقامات رسمی کلیسا مورد قبول است. به شهادت تاریخ و به اعتراف خود مسیحیان، مسئله ازدواج کشیش‌ها (و حتی اسقف‌ها) امری مرسوم بوده است و کشیشان کلیسای اولیه غالباً ازدواج می‌کردند. از جمله شخصیت‌های برجسته مسیحی که دارای همسر بوده‌اند می‌توان به قدیس گریگوری^۲، گریگوریوس کبیر^۳، گریگوری نوسایی^۴ و سینسیوس قیروانی^۵ اشاره کرد [۲۲، ص ۳۲۸].

از زمان شورای لتران در سال ۱۱۲۳، کشیشان کلیسای کاتولیک از ازدواج منع شدند. با این حال در کلیسای ارتدوکس منعی از ازدواج کشیشان وجود ندارد. واضح تر آنکه ازدواج اگر پیش از انتصاب به مقام کشیشی یا شماسی صورت پذیرد، اشکالی ندارد، اما پس از انتصاب به این مقامات، دیگر ازدواج مجاز نیست [۸، ص ۹۰]. مسئله منع ازدواج کشیشان از سوی کلیسای لوتری مردود شناخته شده است. لوتر با ذکر این نکته که قانون مذکور، فاقد مأخذ کتاب مقدسی است، این قانون را رد کرد و خود وی نیز در سال ۱۵۲۵ با راهبه‌ای به نام "کاترینا فون بورا" ازدواج کرد. اگرچه کلیساهای مختلف پروتستان در این زمینه با یکدیگر اختلاف نظر دارند، اما در بسیاری از این کلیساها منعی برای ازدواج مقامات روحانی وجود ندارد. به طوری که به مدت چهارصد سال، از ۱۱۳۹ تا ۱۵۴۹ ازدواج روحانیت انگلیسی از نظر قانونی امکان‌پذیر نبود - در واقع این امر برای همه روحانیون در غرب ممنوع بود. در حالی که این درست است که قبل از قرن دوازدهم بسیاری از زنان همسر محترم روحانیت محله بودند، اما پس از قانون روم در ۱۱۳۹، زنی که با یک کشیش زندگی می‌کرد فقط می‌توانست معشوقه دیده شود. سپس در دهه ۱۵۳۰، به رهبری اشخاصی پیش از اسقف اعظم کرانمر، کشیش‌های انگلیسی که از روش‌های قدیم تر پروتستان پیروی می‌کردند دوباره شروع به ازدواج نمودند. این تغییر چشمگیر در روحانیت متأهل تا حد زیادی توسط مورخان

1. Episcopal.
2. St. Gregory.
3. Gregorios the Elder.
4. Gregory of Nyssa.
5. Synesios of Cyrene.
6. Britannica Encyclopedia of World Religions.

کلیسا نادیده گرفته شده است. همان‌طور که جان یوست^۱ در مطالعه اخیر خود در مورد ازدواج روحانیون در اصلاحات انگلستان اشاره می‌کند، اگرچه دانشمندان توجه چندانی به آن نکرده‌اند، اما بحث بر سر مزایای نسبی ازدواج و مجرد است. جان یوست بخش اعظم مقاله خود^۲ را به دفاع از ازدواج روحانی توسط رابرت بارنز^۳ و جورج جو^۴ در دوران هنری و جان پونت در دوران ادوارد اختصاص داد. یوست به طور مختصر در خصوص برخی اقدامات رسمی دولت و کلیسا در ارتباط با ازدواج روحانیون در دوران ادوارد و همچنین برخی واکنش‌ها در انگلستان علیه ازدواج روحانیون اشاره داشته است. در راستای درک بهتر روند ازدواج روحانیون در دوران سلطنت ماری و سرانجام در دوران سلطنت الیزابت، مهم است که درباره آنچه در دوران ادوارد اتفاق افتاده بیشتر بدانیم. در دسامبر ۱۵۴۷، هنگام ملاقات پارلمان و مجمع، اسقف اعظم توماس کرانمر^۵ لایحه‌ای را به مجمع ارائه کرد که اعلام می‌داشت مطابق با قوانین، هر کشیشی از عقد ازدواج منع می‌شد یا به نوعی ازدواج‌های صورت گرفته محکوم می‌شد. البته مواردی استثنا واقع شد^۶ و این امر برای کشیش‌ها و روحانیون کاملاً باطل جلوه نمود [۲۹، ص ۲۵۱].

به‌طور کلی در کلیسای کاتولیک، مجرد روحانی برای همه روحانیون الزامی است، البته استثنائاتی برای تعیین روحانیت انتقالی و کشیش به‌صورت موردی برای روحانیون متأهل سایر کلیساها یا جوامع کاتولیک پذیرفته می‌شود، اما تعیین مردان متأهل به اسقفی اعظم حذف می‌شود. در کلیسای ارتدکس شرقی مجرد اسقف‌ها یک هنجار است. مجرد یک الزام برای تعیین باطن نیست و در برخی از کلیساهای ارتدکس شرقی، دیکن‌ها ممکن است پس از دستگیری^۷ ازدواج کنند. در لوترانیسم، انگلیکانیسم و

1. John Yost.

۲. دفاع اصلاحی از ازدواج روحانیون در دوران هنری هشتم و ادوارد ششم.

3. Robert Barnes.

4. George Joye.

5. Thomas Cranmer.

۶. کرانمر بر محکوم نکردن کسانی که قبلاً ازدواج کرده‌اند، اشاره می‌کند، زیرا او از اوایل دهه ۱۵۳۰ ازدواج کرده بود و در ژوئن ۱۵۴۷، متیو پارکر، اسقف اعظم الیزابت کانتربری، ازدواج کرده بود. بدون شک چندین نفر دیگر نیز بودند که توسط صورت‌حساب کرانمر "معاف" شدند.

۷. آیین دست‌گذاری، مسیحیان خود را وقف خدمت به جامعه مسیحیت می‌کنند درجات اصلی روحانی آن: اسقف؛ وی نماینده مسیح در قلمرو معینی است که قلمرو اسقف خوانده می‌شود و به نیابت از او تعلیم می‌دهد، رهبری مراسم عبادی را به عهده می‌گیرد و خدمت می‌کند. بعدی کشیش وی معاون اسقف است و برای او سه وظیفه یاد شده است، در محدوده یک گروه کمک می‌کند و بعدی شماس وی کلام خداوند را تبلیغ می‌کند.

پروتستانتیسم به طور کلی نیازی به تجرد روحانیون وجود ندارد و اجازه ازدواج به روحانیون وجود داشته حتی تشویق هم می‌شوند.

ازدواج روحانی

جایگاه کشیشی به عنوان یکی از مقامات رسمی کلیسا مورد قبول است. در کلیسای لوتری نیز جایگاه کشیشی البته با عنوان "شبانی" مورد پذیرش قرار گرفته است، هر چند به طور کلی در این کلیسا، اهمیت زیادی به این مناصب داده نمی‌شود. کلیساهای اصلاحی (کالونی) و هلندی نیز منصب کشیشی را به نوعی پذیرا شده‌اند. ازدواج روحانی واژه‌ای است که برای توصیف عمل اجازه ازدواج روحانیون مسیحی (کسانی که قبلاً منصوب شده‌اند) به کار می‌رود. این عمل با اجازه دادن به افراد متأهل برای روحانیت متفاوت است.

ازدواج روحانیون در میان پروتستان‌ها، از جمله انگلیکن‌ها و لوتران پذیرفته شده است. بسیاری از کلیساهای شرقی (ارتدوکس یا کاتولیک شرقی)، در حالی که اجازه می‌دهند، مردان متأهل پس از دستگیری اجازه ازدواج روحانی را نمی‌دهند. کشیشان منطقه آنان اغلب ازدواج می‌کنند، اما قبل از اینکه به روحانیت منصوب شوند باید ازدواج نمایند. کلیسای کاتولیک بر اساس مصوبات قرون اولیه مسیحیت ازدواج روحانی را ممنوع نمی‌کند، اگر چه عموماً از روش تجرد روحانی پیروی می‌کند و از نامزدهای مجرد یا بیوه استقبال کرده است. با این حال این سیاست عمومی در کلیسای کاتولیک اغلب به صورت خصوصی رعایت نشده است،^۱ در راستای انشعاب بزرگ شرق و غرب بین کلیسای رم و چهار کلیسای رسولان (قسطنطنیه، اسکندریه مصر، انطاکیه سوریه و اورشلیم) که در سال ۱۰۵۴ اتفاق افتاد، اکثر کشیشان کلیسای روم در آن زمان ازدواج کرده بودند. بنابراین برخی از کلیساها که از آداب و رسوم غربی پیروی می‌نمودند، در آغاز قرن بیستم با کلیساهای ارتدکس ارتباط برقرار کردند که حق آن‌ها برای ازدواج با روحانیون، به شرط ازدواج قبل از تشریفات، دوباره احیا گردید. مارتین لوتر که خود کشیش و راهب بود، در سال ۱۵۲۵ با کاتارینا فون بورا،^۲ که راهبه بود ازدواج نمود. با

۱. بنجامین ال. مرکل، محقق باپتیست، ضمن رد این تفسیر، آنرا تفسیری ممکن می‌داند، تفسیری که دارای چندین نقطه قوت است و با ارزشی که کلیسای اولیه برای تجرد پس از طلاق یا مرگ همسر قائل بودند، مطابقت دارد [بنجامین ال. مرکل، ۴۰]. پرسش‌هایی درباره بزرگان و شماس‌ها (Kregel).
2008 ISBN 978-0-8254-3364-1

2. katharina von Bora.

این حال، در کلیسای انگلستان، سنت کاتولیک تجرد روحانی پس از قطع رابطه با رم همچنان ادامه داشت. در زمان پادشاه هنری هشتم طبق دستورالعمل ۶ ماده‌ای، ازدواج روحانیون ممنوع ساخت و این امر تا تصویب قانون ازدواج روحانیون در سال ۱۵۴۸ توسط ادوارد ششم ادامه داشت و راه را برای ازدواج کشیش‌های انگلیکن باز می‌کرد [۲۶، ص ۱۰۳]. به‌طور کلی در مسیحیت مدرن، پروتستان‌ها و برخی از کلیساهای مستقل کاتولیک اجازه ازدواج روحانیون را پس از تشریفات می‌دهند. با این حال اخیراً موارد استثنایی را می‌توان در برخی از کلیساهای ارتدوکس یافت که در آن‌ها روحانیون مسئول، حق ازدواج بعد از تشریفات را دارند. انتظار می‌رود ازدواج کشیش به عنوان الگویی از ازدواج مسیحی عملکردی باشد و همسر کشیش اغلب نقش غیر رسمی رهبری را در جماعت ایفا کند. به همین دلیل، برخی از کلیساهای پروتستان شخص مطلقه را برای موقعیت مذکور نمی‌پذیرند. در فرقه‌هایی که زنان و مردان را منصوب می‌کنند، یک زوج متأهل ممکن است به عنوان مشاغل مشترک خدمت کنند. در هر صورت قانون ازدواج کاتولیک، براساس قانون روم در مورد تمرکز بر ازدواج به عنوان یک توافق‌نامه یا قرارداد متقابل حداقل تا زمان اصلاحات عمل می‌کند.^۱

اگر ازدواج در حالی صورت گیرد که افراد هنوز غیر روحانی هستند، این ازدواج یک روحانی به شمار نمی‌آید، حتی اگر هنگام حضور در کلیسا اتفاق بیفتد. برخلاف کلیساهای پروتستان، یک شماس کشیش متأهل که همسر خود را از دست می‌دهد نمی‌تواند دوباره ازدواج کند و باید مطابق آئین سنتی از تجرد استفاده کند. با این حال در قرون اخیر برخی اسقف‌ها این قانون را تسهیل کرده و موارد استثنائی را مجاز برشمرده‌اند.^۲

در حالی که مبارزات اصلاحات قرن یازدهم علیه ازدواج کشیشان با مخالفت شدیدی روبرو شد، اما در زمان شورای دوم لاتران، حمایت گسترده‌ای از سوی رهبران غیر روحانی و کلیسایی به دست آورد. مخالفت‌های جدیدی در ارتباط با اصلاحات پروتستان نه تنها از طرف اصلاح‌طلبان، بلکه در میان اعضای کلیسا و دیگر کسانی که با اجتماع روم در اتحاد باقی مانده بودند، ظاهر شد. چهره‌هایی مانند پانوریمیتانوس^۳، اراسموس^۴، توماس کاجتان^۵ و امپراطورهای مقدس روم همچون چارلز پنجم، فردیناند اول^۶ و

1. Polish Lawyers , 2013, p,157-7.

2. Father William P. Saunders, Straight Answers,1573, p.7.

3. Panormitanus.

4. Desiderius Erasmus.

5. Thomas cagetan.

6. Ferdinand.

ماکسیمیلیان دوم^۱ علیه آن بحث کردند. در عمل، منظور از تعهد کشیشان این بود که فقط مردان مجرد برای مناسب تعیین می‌شدند. بنابراین، بحث‌های اصلاح‌طلبان برای لغو محدودیت‌ها انجام شد و روحانیت مجرد را به عنوان عنصری اساسی در اصلاحات خود قرار دادند. حال آنکه جبههٔ مقابل، ازدواج را در مقابل توصیهٔ عهد جدید مبنی بر اینکه یک روحانی باید "شوهر یک همسر" باشد [تیموتائوس ۳: ۲-۴] تقبیح نمودند و حق اعلام شده از جانب حواریون برای همراه داشتن یک همسر [اول قرن‌تیان ۹: ۹۵] و این توصیه که "ازدواج باید توسط همه احترام گذاشته شود [عبرانیان ۱۳: ۴] را سوء رفتار جنسی به‌شمار آوردند. [۱۸، صص ۲۸-۲۳].

شواهد تاریخی

برخلاف سنت دیرینهٔ کلیسا در شرق و غرب، که ازدواج پس از تشریفات را مستثنی می‌کرد، زوینگلی^۲ در ۱۵۲۲، لوتر در ۱۵۲۵ و کالون در ۱۵۳۹ ازدواج کردند. توماس کرانمر متأهل در سال ۱۵۳۳ به عنوان اسقف اعظم کانتربری برگزیده شد. فیلیپ شاف^۳، مورخ پروتستان، شواهد این دیدگاه را که از روحانیون انتظار می‌رفت، ارائه نمود. وی خاطر نشان ساخت که تمام ازدواج‌هایی که توسط روحانیون در دستورات مقدس منعقد شده است، در سال ۵۳۰ توسط امپراتور یوستینیان اول^۴ باطل اعلام شده بود و فرزندان چنین ازدواج‌هایی نامشروع به‌شمار می‌آمدند.^۵

شاف چنین نقل می‌کند که "در قرن پنجم و ششم قانون تجرد توسط همهٔ کلیساهای غرب به لطف شوراها و پاپ‌ها رعایت شد. در قرن هفتم و تا پایان قرن دهم، در حقیقت قانون تجرد در بخش بزرگی از کلیسای غربی کمتر رعایت شده بود، اما به عنوان یک قانون، پاپیان روم و شوراها در اعلام تعهد خود ثابت قدم بودند" این گزارش توسط دیگران نیز تأیید می‌شود [۶، ص ۴۵]. "علیرغم ششصد سال فرمان، قوانین و مجازات‌های شدیدتر، روحانیت لاتین هنوز هم کمابیش غیرقانونی اقدام به ازدواج می‌نمودند که هم‌تایان یونانی شان طبق قانون تشویق می‌شدند - آنها با زنان خود

1. Maximilian II.
2. Huldrych Zwingli.
3. Philip Schaff.
4. Iustinianus Augustus .

۵. [هفت شورای جهانی، کتابخانهٔ اثیری کلاسیک مسیحی، بی تا].

زندگی نموده، حوزه خانواده را توسعه می‌بخشیدند. شورای ترنت که این موضوع را مورد بررسی قرار می‌داد و در بیست‌و‌چهارمین جلسه خود تصویب کرد که ازدواج پس از تشریفات باطل بوده و ساختار تعیین شده آن معتبر است. صرف‌نظر از قانون کلیسا در امر ازدواج که چیزی جز محکوم کردن ازدواج نیست، کلیسای کاتولیک‌لاتین (غربی)، در شورای دوم واتیکان اعلام گردید، مردان متأهل که قصد ارتقا به مقام کشیشی را ندارند، می‌توانند به عنوان شماس منصوب شوند و از آن‌ها به عنوان "شماس‌های دائمی" یاد می‌شود. اما مردان متأهل نمی‌توانند به عنوان کشیش یا اسقف منصوب شوند یا حتی به عنوان "شماس‌های انتقالی". همچنین کسی نمی‌تواند پس از تحویل گرفتن منصب ازدواج کند.^۱ نهایت آنکه در عمل دستگیری، مانعی برای ازدواج نبود، بنابراین برخی از کشیشان حتی پس از دستگیری ازدواج می‌کردند. ادعا می‌شود که قرن دهم در اوج دوره ازدواج روحانیون، حتی اکثر کشیشان روستایی نیز ازدواج کرده بودند و بسیاری از روحانیون و اسقف‌های شهری صاحب خانواده بودند [۱۹، ص ۱۲۶]. سپس در شورای دوم لاتران در سال ۱۱۳۹ کلیسای روم اعلام کرد که دستورات مقدس نه تنها یک وظیفه، بلکه منع شرعی برای ازدواج است بنابراین ازدواج توسط کشیشان، نامعتبر و ممنوع است. علی‌رغم عمل تاریخی کلیسای لاتین به نامحرم بودن کشیش، کشیشان کاتولیکی در طول قرون وجود داشته‌اند که ازدواج را به روش صیغه شبیه‌سازی کرده‌اند [۳۳، صص ۱۸۸-۱۶۵]. در فوریه ۲۰۱۹ مشخص شد که سیاست تجرد کاتولیک همیشه اجرا نشده است و در برهه‌هایی از تاریخ، واتیکان به طور مخفیانه قوانینی را برای محافظت از وضعیت روحانیت کاتولیک که سیاست تجرد خود را نقض کرده‌اند وضع نموده است [۱۹، صص ۲۰-۱۹]. یک نمونه در مورد اسقف گرینزبورگ در پنسیلوانیا نشان داده شد، جایی که کشیش پس از ازدواج با دختری که او را بارور کرده بود، وضعیت روحانی خود را حفظ کرد [۲۴ مارونی، ص ۳]. در سال ۲۰۱۲، کوین لی،^۲ کشیشی در استرالیا، فاش کرد که پس از ازدواج مخفیانه به مدت یک سال، مقام روحانی خود را حفظ کرده بود و رهبران کلیسا از ازدواج مخفیانه وی مطلع بودند، اما سیاست تجرد را نادیده گرفتند. در همان سال، اسقف سابق کمکی لس‌آنجلس، گابینو زاوالا،^۳ که از پست خود به عنوان اسقف کمکی و یا از روحانیت کاتولیک استعفا نداده

1. Law, canon 1087, p. 834 – 848.

2. Kevin Lee.

3. Gabino Zavala.

بود، تا آنکه افشاگری‌هایی مبنی بر اعلام عمومی دو فرزند او، توسط لس‌آنجلس تایمز به دلیل داشتن "روابطی عمیق تا رابطه‌ای گذرا" با مادر دو فرزندش، که او نیز دو بارداری جداگانه داشت صورت گرفت.

در این میان کلیساهای انگلیکن هیچ محدودیتی در ازدواج شماس‌ها، کشیشان، اسقف‌ها یا سایر کشیشان با فردی از جنس مخالف ندارند. روحانیون اولیه کلیسای انگلیکان تحت فرمان هنری هشتم، مجبور به تجرد بودند، اما این ادعا توسط ادوارد ششم حذف شد. برخی از دستورات کشیشی انگلیس-کاتولیک، مانند دستورات صومعه‌ای خواهران و برادران، اعضایشان را مجبور به تجرد می‌کرد و لیکن اکثر سنت‌های پروتستان هیچ محدودیتی در ازدواج کشیشان یا سایر روحانیون نداشتند. به طور کلی، فقط مردان متأهل به عنوان اسقف فرا خوانده می‌شوند (که بر مجالس محلی که به عنوان بخش انتخاب می‌شوند، ریاست دارند) و ازدواج در کلیسا و وفاداری به آن برای رستگاری در بالاترین سطح آن ضروری قلمداد می‌شود. همانند اکثر مسیحیان مقدس، از جمله کشیش‌ها انتظار می‌رود که کاملاً از رفتار ناپاک خودداری کنند. این‌گونه تصور می‌شود که ازدواج شامل پیمانی بین مرد، زن و خدا است. این کلیسا می‌آموزد که علاوه بر ازدواج مدنی، که به مرگ ختم می‌شود، یک زن و مرد می‌توانند در معبدی که توسط مقامات روحانیت ایجاد می‌شود، یک ازدواج آسمانی انجام دهند.^۱ در جولای سال ۲۰۰۲، شورای عمومی کلیسا، اصول کلیسا درباره ازدواج را به شرح زیر اعلام نمود:

بر اساس تعالیم سرورمان، ماهیت ازدواج اتحاد ابدی و مادام‌العمر است، در خوبی و بدی، تا زمانی که مرگ ما را از هم جدا کند، پیوند یک مرد با یک زن، با حذف تمامی افراد دیگر در هر دو طرف، برای زایش و پرورش فرزندان، برای تقدیس و هدایت درست گرایش طبیعی، و برای جامعه‌ای طبیعی، برای یاری و آرامشی که هریک در دیگری خواهد یافت، تا ابد در خوشبختی و بدبختی آن شریک باشد.

به روحانیون توصیه می‌شود، یک نسخه از پیشنهادها برای راهنمایی روحانیون در رابطه با قانون ازدواج و ثبت داشته باشند^۲ و نیز بروشورهای ازدواج انگلیکان در انگلستان و ولز را فراهم سازند.

1. Gospel, LDS Church, 1995, p.121.

2. The Sanctuary, Westminster, London 2010, P. 3.

محدودیت‌های قانونی

محدودیت‌های ازدواج برای سن قانونی ۱۶ سال است، در صورتی که مراسم ازدواج بین دو نفر که هرکدام از آن‌ها زیر سن قانونی است انجام گیرد، این ازدواج باطل است. چنانچه هر کدام از زوجین زیر ۱۸ سال باشد، لازم به کسب رضایت‌نامه والدین یا قیم می‌باشد؛ اجرای تشریفات ازدواج بین محارم بنابر قانون بی.۳۱ ممنوع است. مراسم ازدواج قانوناً فقط بین ساعات ۸ صبح تا ۶ بعدازظهر برگزار و اجرا می‌شود. جایی که هریک از زوجین جزء اتباع بیگانه باشد، قویاً توصیه می‌شود که می‌بایست براساس ازدواج انگلیکان از طریق مجوز عرفی صورت بگیرد. این امر هم برای محافظت از زوجین و هم برای محافظت از روحانی است که مراسم ازدواج را اجرا کرده است. درچنین مواردی زوج درخواست مجوز می‌دهند، این مجوز سندی است که از طرف سفارتخانه صادر می‌شود و مقررات وزارت کشور، مصوب سال ۲۰۰۵، ازدواج برای شهروندان غیربریتانیایی را محدود کرده است. این مقررات مانع از ازدواج غیر شهروندان در دفتر ثبت یا کلیسای غیر انگلیکان یا ساختمان مذهبی می‌شود، مگر اینکه ویزا یا مجوز مکمل ازدواج دریافت کرده باشند. این محدودیت باعث کاهش قابل توجه تعداد ازدواج‌های انجام شده در دفتر ثبت بین شهروندان غیربریتانیایی، کسانی که بیش از زمان مقرر مانده‌اند، خواهد شد. الهیات کلیسا، آموزه نجات مسیحی را فقط از طریق عیسی مسیح در بر می‌گیرد. براساس قانون مجازات‌های زناشویی سال ۱۹۶۵، روحانیون کلیسای انگلستان نباید مجبور به اجرای تشریفات ازدواج شخصی شوند در حالی که ازدواج سابقش فسخ شده و همسر سابقش هنوز هم زنده است، یا آنکه تحت فشار، مجوز اجرای تشریفات ازدواج در کلیسایی را بدهد که او کشیش آن است. مقررات فعلی کلیسا درباره ازدواج مجدد افراد مطلقه در دستورالعمل مجلس اسقفان، صادره در سال ۲۰۰۳، تنظیم شده است.^۱

موارد استثنا در قوانین وضع شده

یکی از موارد استثنا در قانون این است که شخصی که عضو فهرست انتخاب کننده کلیسای یک بخش کشیشی است و در آن اقامت ندارد، شاید در کلیسای آن بخش ازدواج نماید. طبق مقررات حکومتی سال ۱۹۶۹ شورای کلیساها، فردی که در یک

1. Marriage Act 1949 (Remedial) 2007". P. 435.

حوزه کشیشی اقامت ندارد، بایستی بر حسب عادت قبل از افزودن نامش در فهرست انتخاب کننده کلیسا، به مدت شش ماه در مراسم عبادی عمومی حضور به هم رساند. افزودن نام شخص به فهرست انتخاب کننده کلیسای بخش کشیشی نامناسب است، مگر این که فرد شرایط مقررات حکومتی شورای کلیساها را اجابت کند. مقررات ازدواج در ۱ اکتبر ۲۰۰۸ به اجرا درآمد. این قانون تفاوتی اساسی با مقررات موجود ایجاد کرده است. مفهوم "محل اقامت" به واسطه طیف جدیدی از روابط واجد شرایط (دارای صلاحیت) تکمیل شده است (قانون جدید معیار اقامت را تغییر نداده است، بلکه فقط طیف روابط واجد شرایط با کلیسای بخش کشیشی مورد بحث را وسعت می‌دهد). علاوه بر اقامت در بخش کشیشی یا افزوده شدن به فهرست انتخاب کننده، در حال حاضر هر زوجی که در کلیسای بخش کشیشی ازدواج می‌کنند باید واجد شرایط زیر باشند:

- یکی از زوجین در بخش کشیشی تعمید شده باشد، یا یکی از زوجین تأیید شده باشد و این تأییدیه در کتاب ثبت احوال کلیسا، متعلق به بخش کشیشی، ثبت شده باشد (این مسئله بر این اساس انجام شده است که فرد مربوطه برای تأیید در بخش کشیشی آماده شده بود). یا یکی از افراد مربوطه به مدت حداقل ۶ ماه در بخش کشیشی اقامت داشته یا به طور دائم، حداقل به مدت شش ماه در مراسم عبادی عمومی آن بخش کشیشی شرکت کرده است.

- والدین فرد مذکور در طول دوران زندگی شخص حداقل شش ماه در آن بخش کشیشی اقامت داشته‌اند، یا به طور معمول، حداقل به مدت شش ماه در مراسم عبادی عمومی آن بخش شرکت کرده‌اند.

- والدین فرد مذکور یا پدر و مادر بزرگش در بخش کشیشی ازدواج کرده‌اند (در این فهرست ذکر تعمید داده شده، تأیید شده یا ازدواج کرده، یا مشارکت در مراسم عبادی، همگی اشاره به مراسم و تشریفات کلیسای انگلستان دارند).

- شاید مجوز عرفی نیز بر همین اساس صادر شود.

در حال حاضر اجازه اعطای مجوز عرفی به طور معمول زمانی صادر می‌شود. هر یک از زوجین که جدا شده و دارای همسر سابقی باشد که هنوز در قید حیات است، مشروط بر اینکه از دستورالعمل عمومی مجلس اسقفان برای روحانیون تبعیت شود، می‌تواند ازدواج نماید. امروز همه فرقه‌های مسیحی ازدواج را به عنوان یک نهاد مقدس و یک میثاق می‌دانند. کاتولیک‌های روم آن را یک آیین مقدس می‌شمارند. ازدواج رسماً در

سال ۱۱۸۴ شورای ورونا به عنوان یک راز مقدس شناخته شد. قبل از آن، هیچ مراسم خاصی برای جشن ازدواج تعیین نشده بود و نذورات ازدواج اجبار نداشت که در یک کلیسا رد و بدل شوند و حتی حضور کشیش لازم نبود. یک زوج می‌توانند در هر مکان و هر زمان رضایت خود را عوض کنند [۲۵، ص ۷۰].

پس از آغاز قرن هفدهم، تغییرات تدریجی در قانون انگلیس به معنای حضور کشیش یا قاضی برای قانونی بودن ازدواج ضروری بود. تا این مرحله در انگلستان، روحانیون بسیاری ازدواج غیر قانونی و مخفیانه انجام می‌دادند و ازدواج‌های غیر قانونی اما عرفی هنوز معتبر بود.

قلمرو شماس (خادم کلیسا)

در کلیساهای انگلیسی، بیشتر شماس‌ها همکاری مستقیمی با کشیش‌ها در داخل و خارج از کلیسا و در اموری مثل کمک رسانی به فقرا، بیماران، گرسنگان و زندانیان دارند. بر خلاف شماس‌ها، در ارتدوکس و کاتولیک رومی، که قبل از انتصاب به این مقام می‌توانند متأهل باشند، در کلیسای انگلیس، شماس‌ها، قبل و بعد از منصوب شدن به این مقام می‌توانند ازدواج کنند. بیشتر شماس‌ها برای کشیش شدن خود را آماده می‌کنند و معمولاً فقط یک سال در مقام شماس می‌مانند و بعد در مقام کشیش به کارشان ادامه می‌دهند. با این حال، بعضی از شماس‌ها همیشه در همین منصب باقی می‌مانند. در بسیاری از نواحی و بخش‌های کلیسای انگلیسی، زنان و مردان می‌توانند در مقام شماس در کلیسا خدمت نمایند. در بخش‌هایی که به زنان اجازه کشیش شدن می‌دهند، بیشتر اجازه خدمت در کلیسا در مقام شماس را دارند. امکان ایجاد قلمرو شماس برای زنان طولانی‌تر از مردان است که مردان مدت کوتاهی پس از شماس شدن، کشیش می‌شوند. شماس‌ها حق انجام مراسم غسل تعمید داشته، در برخی قلمروهای اسقف، اجازه برگزاری مراسم ازدواج را طبق دستورالعمل کشیش یا اسقف اخذ می‌کنند. در مواقعی نیز مراسم دعای خیر و برکت را در کلیساهایی که این مراسم آئینی را برگزار می‌کنند به جای می‌آورند.^۱

۱. انتصاب صرفاً انتصاب در یک دفتر نیست. این اعطای موهبت الهی با علامت ظاهری است، یعنی دست گذاشتن.

حرفه‌ای‌سازی و امتیاز مقدس

کلیسای کاتولیک، از گذشته تا به امروز، همواره با مسئله انتصاب زنان به مقامات روحانی و از جمله منصب کشیشی مخالفت ورزیده است. رهبران این کلیسا با اشاره به سنت حضرت مسیح، اظهار می‌دارند که آن حضرت از هیچ زنی برای عضویت در دوازده شاگرد خود دعوت نکرد. پاپ اینوسنت سوم،^۱ در آغاز قرن سیزدهم مکرر اظهار داشته است: «گرچه مریم باکره مقدس در عظمت و برتری از همه رسولان بالاتر بود، اما خداوند کلیدهای ملکوت آسمان را نه به او بلکه به رسولان سپرد [۴، ص ۵۲۳]». این کلیسا در سال ۱۹۹۵ و در زمانی که بحث‌ها بر سر انتصاب زنان شدت گرفته بود، اعلام داشت که دیدگاه این کلیسا در مورد عدم جواز انتصاب زنان از خطا مصون است و از این‌رو، گفت و گوی بیشتر در این مورد را ممنوع اعلام کرد [۲، ص ۵۲۱]. کلیسای ارتدوکس نیز در مسئله انتصاب زنان بر همین سنت قدیمی (که طی قرن‌های متمادی در کلیسا حکم فرما بوده است)، پایبند است و با درخواست‌هایی که در این مورد از کلیساهای ارتدوکس شده است مخالفت می‌کند [۷، ص ۸۳۵]. در قرن بیستم، مسئله انتصاب زنان به مقام کشیشی در کلیساهای پروتستان به کانون نزاع تبدیل شد و بسیاری از مسیحیان پروتستان خواهان انتصاب زنان به مقام کشیشی بودند. برای اولین بار، مناقشه و نزاع بر سر کشیشی زنان در کلیسای انگلیکن در گرفت و اولین زن در هنگ‌کنگ در سال ۱۹۴۴ و متعاقب آن در سال ۱۹۷۱ دومین زن به مقام کشیشی منصوب گردیدند. دیگر کلیساهای انگلیکن نیز بعدها دیدگاهی مشابه را پذیرفتند و اولین زن در کلیسای انگلستان در سال ۱۹۹۴ به این مقام منصوب گردید [۲۳، ص ۴۶۳]. همچنین در کلیسای اپیسکوپال نیز اولین زن به صورت غیررسمی در سال ۱۹۷۴ و به صورت رسمی در سال ۱۹۷۶ به مقام کشیشی منصوب گردید. به مرور زمان، بسیاری از کلیساهای پروتستان، انتصاب زنان به مقامات روحانی و از جمله مقام کشیشی را پذیرا شدند.

سال ۲۰۱۱ برای نخستین بار شاهد اجرای قانون ضوابط خدماتی روحانیون بود که توسط مقررات قانون اشتغال بریتانیا مورد تأکید قرار گرفت. این قانون توضیح دهنده حقوق و مسئولیت‌های روحانیون بود، و مسائلی چون حق مرخصی، استحقاق حق مادری و پدری و حق درخواست دادگاه اشتغال را به تفصیل توضیح می‌داد. پیش از

1. Innocentus III.

تصویب این قانون، مقررات مربوط به این مسائل متناقض بود و این قوانین بین حوزه‌های اسقفی متفاوت بودند. به هر حال این قانون جدید به هیچ‌وجه توضیح دهنده تفاوت‌ها در جنسیت نبود، به این معنا که زنان کشیش در مقایسه با مردان در شرایط بسیار نامساعدتر به سر می‌برند. پس از رأی سال ۱۹۹۲، شرایط و مقررات متفاوتی تصویب شدند، به این معنا که فعالیت‌های زنان در کلیسا محدود شد. هیچ‌یک از اهالی بخش مجبور به پذیرش کشیش زن نبود و زنان نمی‌توانستند اسقف شوند. چنین قوانینی در نهادهای غیرمذهبی به شدت مورد مخالفت قرار می‌گیرد، در نتیجه زنان کشیش درباره‌ی لایه‌های دیگری از این مسئله پیچیده در زندگی شغلی خود سخن می‌گویند، به ویژه به این دلیل که از دین به عنوان نهادی مقدس فراتر، از مداخله‌های غیرمذهبی یاد می‌شود [وان و وست ۰۴، صص ۱۰۵-۱۱۲].

کشیش بودن در مفهوم معمول به هیچ‌عنوان یک حرفه محسوب نمی‌شود. همواره بین اصول حرفه‌ای و شغلی، جایی که عبادت و فداکاری با حرفه و ترفیع مقایسه شده‌اند، نوعی تنش وجود داشته است [۴، صص ۴۵، ۴۷]. در حقیقت این مسئله با معناشناسی واژگان سروکار دارد. به روحانیون برای هزینه‌های زندگی به جای حقوق پاداش داده می‌شود، یعنی هزینه معیشت به جای دستمزد برای کاری که انجام شده است و از واژه مقام افتخاری به جای ترفیع استفاده می‌شود [۲۷، ص ۲۱۶]. در واقع کشیش بودن به جای شغلی حرفه‌ای به عنوان وضعیت زندگی محسوب می‌شود، اما کشیشی نقشی مقدس و مردانه نیز پنداشته می‌شود [۱۰، صص ۵۳۱، ۵۳۹] و حذف تاریخی زنان از این محیط مردانه، پیوندهای آن‌ها با لامذهبی و بی‌حرمتی را تشدید کرده است.

کانون توجه

مصاحبه‌های دقیق صورت گرفته با هفده زن کشیش و خادم کلیسای انگلیکان بین سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ در انگلستان موجود است (روحانیون ابتدا به عنوان خادم کلیسا به خدمت گرفته می‌شوند، انتصاب به مقام کشیشی پس از طی دوره کارآموزی یک ساله انجام می‌شود). با زانی در سطوح متفاوت زندگی کلیسایی مصاحبه شد، از زانی که به تازگی وارد این سازمان شده بودند، تا آنان که در پست‌های بالاتر بودند [۲۸، ۳۲۱].

مخصوصاً این زنان بیشتر دارای مقام معاون کشیش بخش (دوره کارآموزی بعد از مقام کشیشی جایی که یک کشیش تحت نظارت کشیش ارشدتر در بخش کشیشی کار

خواهد کرد)، کشیشان دستیار (کسی که به کشیش دیگر کمک می‌کند اما نه به عنوان بخشی از دوره کارآموزی)، کشیشان بخش کشیشی (کسانی که مسئول بخش کشیشی هستند، این‌ها متصدی بخش نیز نامیده می‌شوند)، دین‌یاران (کسانی که به عنوان کشیش خارج از کلیسای انگلستان در سایر محیط‌های سازمانی نظیر بیمارستان، زندان و دانشگاه کار می‌کنند)، رؤسای کلیساها (کسانی که مسئول سلامت مذهبی سایر کشیشان در یک منطقه جغرافیایی به نام حوزه هستند)، و آن‌هایی که پست‌های بالاتر را وضع می‌کنند، به این معنا که فردی را برای کار در سطح قلمرو اسقفی نزدیک به اسقف حوزه اسقفی یا کشیشان سطوح بالاتر در کلیسای جامع را تعیین می‌کنند.

به علل ناشناخته نقش‌هایی که این زنان در پست‌های ارشد عهده‌دار می‌شوند، مشخص نشده‌اند؛ چرا که این مسئله هویت آن‌ها را با توجه به اقلیت بودن زنان در این پست‌ها به خطر می‌اندازد (اسامی مستعار استفاده می‌شوند). آن‌طور که پیتون (۲۰۰۹) اظهار می‌کند، کلیسای انگلستان به لحاظ سازمانی دارای سلسله مراتب هم سطح است، با اندک فرصت‌هایی برای پیشرفت شغلی. ریاست کلیساهای منطقه‌ای را می‌توان نوعی از پست‌های متوسط مدیریتی در نظر گرفت، در حالی که می‌توان پست‌های بالاتر نظیر رؤسای کلیسای جامع، پست‌های حوزه اسقفی و معاون اسقف را مقام‌های انتصابی ارشد نامید. اسقف‌ها و معاونین اسقف‌ها پست‌های ممتاز هستند، اما زنان از این پست‌ها محرومند.

سن افراد مصاحبه شونده، بین ۳۱ تا ۵۴ سال بود. با زنانی مصاحبه شد که در زمان مصاحبه هنوز هم فرزند یا فرزندان دبیرستانی یا کوچک‌تر داشتند، یا اینکه اخیراً تجربه انتصاب به مقام کشیشی و مادری را داشتند و حتی اگرچه فرزندان بزرگسال و بالغ شده بودند (این مورد شامل یکی از افراد مصاحبه شونده بود). در حقیقت این زنان انواع تجارب مربوط به مادری را داشتند. بعضی از آن‌ها پس از تولد فرزندان، آموزش برای کشیش شدن را آغاز کرده بودند. بعضی‌ها کشیش بودند و در عین حال فرزند داشتند. اکثر کشیش‌ها حقوق بگیر بودند، اما تحقیق نشان داده است که احتمال بودن کشیش‌هایی که مادر هستند در پست‌های بدون حقوق بیشتر خواهد بود [۲۸، ص ۳۲۶]. به هر حال الویت این تحقیق کسانی بودند که در پست‌های با حقوق، انجام وظیفه می‌کردند، چرا که تنش‌ها، مشکلات و مزایای کاری کلیسای انگلستان را به طور عینی‌تر تجربه کرده بودند. انگلستان از لحاظ جغرافیایی به ۴۴ اسقف‌نشین تقسیم شده است. از طریق مقامات رسمی حوزه اسقفی با پاسخ‌دهندگان تماس گرفته شد. شرکت

کنندگان در تحقیق از نه منطقه اسقف‌نشین متفاوت انتخاب گردیدند. مصاحبه‌ها در مورد تجارب کار در کلیسا (شامل چگونگی کشیش شدن و تجارب شغلی متعاقب آن) و تجارب مادری و زندگی خانوادگی بود که رابطه این دو بر می‌گردد به نقش آن‌ها در کلیسا و چگونگی تأثیر هر کدام بر دیگری. از دهه ۱۹۷۰ میلادی تاکنون، همکاری زنان در آیین ارتباط انگلیکان به طور فزاینده‌ای در استان‌های خاص جریان داشته است و اسقف‌های خاص در استان‌هایی که مقررات دیگری دارند (مانند اسقف سیدنی در کلیسای انگلیکان از استرالیا)، فقط به اشتغال مردان ادامه می‌دهند. این دیدگاه‌های مختلفی به ایجاد و رشد تمایلات جدایی طلبانه محافظه‌کار، از جمله آرایش مجدد انگلیکان و ادامه جنبش‌های انگلیکان کمک کرده است.^۱

گروه‌های کوچک مخالف

پس از تصویب قانون انتصاب زنان به مقام کشیشی در سال ۱۹۹۲، منازعاتی بسیار آشکار بین مخالفان و موافقان این طرح صورت گرفت. رسانه‌ها از هیجان و اضطراب متعاقب آن به واسطه تهدیدهای ناشی از مهاجرت اهل بخش و کشیش، برای تأکید بر تفرقه موجود در کلیسا بهره بردند [۳۴، ۱۹۹۴، ص ۱۳۲].

با زنانی مصاحبه کردند که بخشی از نخستین گروه زنان کشیش بودند، زنانی که تصریح می‌کردند که در بعضی موارد با مقام کشیشی آن‌ها از سوی همکاران روحانی و اهالی بخش مخالفت شده بود. به هر حال، آن‌ها که اخیراً به استخدام کلیسا در آمده بودند، به احتمال زیاد با مخالفت‌های کمتری مواجه شده بودند. تحقیق نشان می‌دهد که زنان کشیش تا حد زیادی در بخش‌های کشیشی و از سوی روحانیون مخالف که نظر خود را تغییر داده‌اند، مورد پذیرش قرار گرفته‌اند [۱۲، ص ۹۷].

هم‌زمان، نه تنها تبعیض‌های قانونی اساسی وجود دارد، بلکه هنوز هم شاهد مخالفت شدید از سوی گروه‌های مبارزاتی نظیر گروه ایمان پیش‌رو و گروه اصلاحات هستیم. گروه نخست، غالباً کاتولیک‌های مخالف انتصاب زنان به مقام کشیشی هستند که به عنوان یک سازمان چتری پس از رأی‌گیری سال ۱۹۹۲ تأسیس شد و گروه دوم گروه انجیلی‌ها هستند که در سال ۱۹۹۳ ایجاد شد و ایشان نیز بر علیه حق انتصاب زنان به مقام کشیشی مبارزه می‌کنند. این امکان وجود دارد که گروه‌های کوچک مخالف در

1. Kalvelage, 1998, p, 13.

مناطق ممنوعه پدید آیند. به علت ماهیت پراکنده گروه‌های کوچک مخالف، زنانی که وارد کلیسا شده‌اند، لزوماً مخالفت آن‌ها را تجربه نخواهند کرد. بنابراین احتمال کمی وجود دارد که مخالفت با کشیشی زنان آشکار و رو در رو باشد و به طور محسوسی به لحاظ ویژگی، متفاوت از مخالفت مستقیمی است که زنان در مبارزه برعلیه انتصاب زنان به مقام کشیشی با آن مواجه می‌شوند.

این مسئله می‌تواند منجر به حس کاذب امنیت شود، زیرا کشیش زنی که هرگز با مخالفت مواجه نشده است، باور می‌کند که اکنون زنان به عنوان کشیش کاملاً مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. برخی از استان‌های باوور انگلیکان، مانند کلیسای اسقفی پروتستان در ایالات متحده آمریکا، زنان را به سه منصب مقدس سنتی اسقف، کشیش و شماس منصوب می‌کنند. سایر استان‌ها زنان را به عنوان شماس و کشیش منصوب می‌کنند، اما به عنوان اسقف انتخاب نمی‌شوند و می‌بینیم گروه‌های باپتیست^۱ در ایالات متحده که زنان را به مقامات کشیشی منصوب می‌کنند.^۲

مذاکره سازمانی

گروه طرفدار ورود زنان به کلیسا می‌تواند به طوری چشمگیر بر دیدگاه و تصور افراد از این مسئله اثر بگذارد. آن‌ها که بخشی از نخستین گروه زنان کشیش بودند، در مقایسه با زنانی که بعداً وارد کلیسا شدند، تجربه‌های بسیار متفاوتی داشته‌اند. به همین صورت، جایگاه فرد در الگوی سازمانی کلیسا نیز بر درک و شناخت فرد نسبت به مشارکت شغلی اثر خواهد گذاشت. خادمان کلیسا، معاونین کشیش و دستیاران وزیر مختار کشیش بیشتر با مراتب شغلی بی‌واسطه در ارتباط بودند. هنگامی که از آماندا در رابطه با تأثیر اسقف و خادمان کلیسا بر تجربه او سؤال شد، او پاسخ داد: "من تصور می‌کنم بیشتر، کلیسای بخش تعیین‌کننده تجاربی است که زنان در کلیسا دارند نه اسقف." ضروری به نظر می‌رسید که سنت کلیسا در رابطه با کشیش و حاضران در کلیسا هماهنگ باشد و بسیار مهم بود که متصدی آموزش حامی زنان، کشیش در همان بخش کشیشی باشد، هم‌چون کلیسای لوتران آمریکای شمالی که در سال ۲۰۱۰ تاسیس شد و زنان را به عنوان کشیش معین کرد.^۳

1. Baptists.

2. Jule, A. *Gender*, USA, 2014, p. 94.

3. Lutheran Church", 2016. p. 3.06.

مشکلات زمانی بروز کردند که شخص با مافوق بی‌واسطه‌اش در تعارض بود. الینور اظهار کرد که متصدی آموزش او، از لحاظ نظری بسیار حامی زنان کشیش بود، اما در عمل این‌گونه نبود! به ویژه از لحاظ توافق بر سر والد بودن و کشیش بودن.

مقام کشیشی بخش و مدیریت متوسط

زمانی که کشیشان، مسئول بخش خود می‌شوند، قادر به نمایش سطح معینی از اختیار و اقتدار در رابطه با طرز کار حرفه‌ای خود هستند و این اختیارات به واسطه فاصله فضایی از مقام مافوق و استقلال برای کنترل بخش کشیشی آن‌گونه که شخص مناسب می‌داند، افزایش می‌یابد. برای مثال، هنگامی که الینور مسئول بخش شد، زمان اشتغال روزانه را برای هماهنگی با زندگی خانوادگی‌اش تغییر داد. زمانی که کشیشان به چنین موقعیت‌های شغلی دست می‌یابند، توجه بیشتری به حوزه و نقش آن در شکل‌گیری تجربه معطوف می‌شود. حوزه، دسته‌ای از بخش‌های کشیشی است و توسط رئیس منطقه سرپرستی می‌شود. روحانیون آن حوزه مرتباً با یکدیگر ملاقات می‌کنند، چرا که این ملاقات‌های دوره‌ای، منبع حمایت شغلی هستند. در کلیساهای انجیلی زنان را به عنوان پیشکسوت معرفی نمی‌کنند، اگرچه به عنوان متصدی سفارش می‌کنند.^۱ در این میان باید خاطر نشان داشت؛ کلیسای کاتولیک به شدت با انتصاب زنان به هرگونه مقام کلیسایی مخالفت می‌کند. این کلیسا در سال ۱۹۹۵ و در زمانی که بحث‌ها بر سر انتصاب زنان شدت گرفته بود، اعلام داشت که دیدگاه کلیسا در مورد عدم جواز انتصاب زنان از خطا مصون است و از این‌رو، گفت و گوی بیشتر در این مورد را ممنوع اعلام کرد [۴ ص ۵۲۱]. رهبران این کلیسا با اشاره به سنت حضرت مسیح، اظهار می‌دارند که آن حضرت از هیچ زنی برای عضویت در دوازده شاگرد خود دعوت نکرد. این همان چیزی است که پاپ اینوسنت سوم، در آغاز قرن سیزدهم بارها اظهار کرده بود: «گرچه مریم باکره مقدس در عظمت و برتری از همه رسولان بالاتر بود، اما خداوند کلیدهای ملکوت آسمان را نه به او، بلکه به آنان سپرد» [همان، ص ۵۲۳]. البته آن‌گونه که از منابع تاریخی برمی‌آید، انتصاب زنان به مقام شماسی، تا قرن ششم در این کلیسا وجود داشته است، اما این رسم در دو شورای اپایون^۲ و اورلئان^۳ طرد گردید. از این زمان به بعد، در

1. the Evangelical l Church. 2015. p. 115.

2. Epaon.

3. Orleans.

کلیسای کاتولیک، هیچ منصب روحانی‌ای به زنان واگذار نگردید.^۱ استفانی به عنوان یک رئیس منطقه کشیشی در محلی بسیار محافظه‌کار دارای زنانی اندک، نگرانی‌هایش درباره انسجام حوزه‌اش و وضعیتی که برای یک زن کشیش محیطی حمایت‌کننده نبود را عنوان نمود: در این حوزه هیچ روشنفکری نیست، بعضی‌ها نگران مجموعه عوامل زیرین ملاقات‌ها بودند. لوئیس احساسش را این‌گونه بیان کرد: در واقع جایی کار می‌کردم متوجه شدم حوزه‌ها، شوراهای کلیساها، و شعب، مجامعی بسیار مردانه هستند و مشکلاتی برای بیان نظرات فردی وجود داشت. به طور تاریخی، چنین جلساتی موجب می‌شود که ائتلاف برادرانه، روابط مردانه دوستانه را حمایت کند که در نتیجه زنان مجبورند برای جایگاه خود در این فضای از نظر تاریخی مردانه مبارزه کنند [۵، صص ۴۵-۵۷].

کشیشان بخش اغلب احساس می‌کردند که در این جلسات توسط مردان کشیش بخش‌های کشیشی مجاور ارزیابی شده و مورد قضاوت قرار گرفته‌اند. ایزابل احساس می‌کرد که همکاران مرد رویکرد او نسبت به مقام کشیش را کم ارزش می‌کنند، از آن جهت که مردان غالباً نسبت به زنان بی‌تعارف‌نگاهی از بالا به پایین دارند. به این علت

۱. کلیسای شرق نیز در مسئله انتصاب زنان بر همین سنت قدیمی پایبند است و با درخواست‌هایی که در این مورد از کلیساهای ارتدوکس شده است، مخالفت می‌کند [وان وورست، ۱۳۸۴، ص ۵۲۲]. لازم به یادآوری است که گماشتن زنان به مقام شماسی در این کلیسا تا قرن دوازدهم رایج بوده است، اما از این زمان به بعد، تقدیس زنان و گماردن آنان به مقام شماسی، از این کلیسای رخت بر بست. از نگاه برخی مسیحیان، منع انتصاب زنان به مقامات روحانی هرگز قابل‌پذیرش نیست. هانس کونگ، دانشمند و الهی‌دان بزرگ معاصر بر آن است که زنان نیز به عنوان رسول حضرت مسیح انجام وظیفه می‌نموده‌اند. از نگاه وی، تنها در زمان نگارش انجیل لوقا بود که عنوان رسول به صورت مشخص در مورد دوازده شاگرد خاص به کار رفت، اما در زمان مسیح، تفاوتی میان مردان و زنان نبوده و آنان نیز عهده‌دار این مسئولیت بوده‌اند [کونگ، ۱۳۸۶، صص ۱۹-۲۰]. البته این دیدگاه اختصاصی به کونگ ندارد. امروزه بسیاری از کلیساهای انگلستان زنان را نیز همانند مردان، به مقامات روحانی منصوب می‌کنند [برانتل، ۱۳۸۲، صص ۱۱۰، ۱۵۶ و ۳۵۶]. بیانیه سی و نه ماده‌ای دینی در سال ۱۵۶۳ تصویب شده و اظهارات معین تاریخی دکترین انگلیسی در ارتباط با ناسازگاری اصلاح‌گرایی انگلیسی، به‌ویژه در ارتباط با دکترین یا نظریه کالوینیست و رویه‌های کلیسای کاتولیک، که منجر به ایجاد دکترین کلیسای انگلیس گردید، می‌باشد. این عنوان معمولاً به صورت «بیانیه سی و نه ماده‌ای» مطرح می‌شود. کلیسای انگلستان درصدد یافتن موقعیت دکترینی خود در برابر کلیسای کاتولیک رم و پروتستان‌های قاره اروپا بود. مجموعه‌ای از اسناد معین در طی یک دوره سی ساله، به‌عنوان وضعیت سیاسی و دکترینی تغییر یافته از زمان تکفیر هنری هشتم در ۱۵۳۳ تا تکفیر الیزابت اول در سال ۱۵۷۰ نوشته شده و اصلاح گردیدند. [ببینید: Anthony, 2008, p. 327].

آن را قدرت‌طلبی می‌نامند. ناتالی اظهار کرد: "فکر می‌کنم چیزهای پیچیده به سادگی بدل به راهبرد بسیار موفقیت‌آمیز مردانه‌ای می‌شوند که به وقت احساس قدرت می‌توانم آن را رد کنم." ناتالی در یک بخش کشیشی محروم کار می‌کرد که در احاطه همکاران مردی بود که تمایل به تأکید بر رشد کلیسا، به جای مشکلات بخش داشتند. او در تلاش برای ارزیابی مثبت کارش بود، در نتیجه، اگرچه زمانی که زنان، کشیش بخش می‌شدند، با توجه به نقشی که امکان استقلال بیشتری را فراهم می‌کرد، برخورد با همکاران روحانی بسیار کمتر بود، اما هنگامی که این برخورد رخ می‌داد می‌توانست تجربه‌ای منفی برای زنان به همراه داشته باشد. در بخش‌هایی از تفکر زنان کشیش در پروتستان می‌بینیم جامعه دینی مانند (کواکرها)^۱ زنی را منصوب نمی‌کند، اما از زمان آغاز به کار خود در سال ۱۶۵۲ زنانی در نقش‌های متصدی برگزیده می‌شدند.^۲

سرانجام اعضای کلیسا بر سر حل این مسئله به دو دسته تقسیم شدند. گروه‌های مبارزاتی در هر دو طرف فعال بودند، موضوع مناقشات آن‌ها این بود که آیا انتصاب زنان به مقام کشیشی منطبق با سنت است؟ آیا زن می‌تواند نماینده مسیح باشد؟ و آیا انجیل زنان را از مقام کشیشی به دلیل مسئله برتری مرد منع کرده است؟ (به این معنا که آیا بر اساس انجیل برای زنان مجاز است تا در جایگاه و مقامی برتر از مردان باشند؟). هم‌زمان افراد طرفدار مقام کشیشی زنان، این مسئله را با توجه به شمول و تساوی حضور زنان کشیش در کلیسای اولیه، و اینکه آیا مرد بودن شرط لازم برای معرفی مسیح است را مطرح می‌کردند [۱۵، ص ۱۸].

هنگامی که در سال ۱۹۹۲ با رأی‌گیری، قانون انتصاب زنان به مقام کشیشی تصویب شد، برخلاف حمایت حاصل از پوشش خبری مثبت و حمایت فشارآور از سوی عموم مردم، واکنش اسقف‌ها و روحانیون اسفناک و جدی بود.^۱ با این حال در این زمان نیز صدای بلند تبعیض جنسیتی همچنان باقی بود. سرمقاله روزنامه سان تحت عنوان کلیسا به کشیشان بخش شلوارک پوش بله گفت مسئله را جنسیتی و بی‌اهمیت نشان داد. در عین حال در کلیساها، برخی اهالی بخش کاملاً مردد بودند و عده اندکی نیز اجرای آیین عشاء ربانی توسط زنان را نپذیرفتند.

کشمکش ناشی از این رأی‌گیری موجب اقدامات سریع برای مختصر یا محدود کردن فعالیت‌های زنان کشیش شد. حتی امروزه اهالی بخش کشیشی موظف و مجبور به

1. Quakers.

2. Soderlund, Jean R. (1987). P, (4): 722-749.

پذیرش یک کشیش زن نیستند و همان‌طور که در بالا بیان شد، علی‌رغم مبارزات و مباحثات اخیر، زنان هنوز هم نمی‌توانند اُسقف شوند [۹، صص ۲۵-۱۰۹].

این امر شبیه سقفی شیشه‌ای (سقف شیشه‌ای اصطلاحاً در زبان انگلیسی به برخی نگرش‌ها اطلاق می‌شود که موانعی بر سر راه پیشرفت زنان ایجاد می‌کنند، بدون اینکه قانون رسمی برای این کار وجود داشته باشد)، شبیه به تجربه سازمان‌های غیرمذهبی نیست، بلکه بیشتر شبیه به سقفی سربی (مانع جدی) است. پس در مقایسه با محیط غیرمذهبی، زنان کشیش از لایه‌های دیگر پیچیدگی موجود در زندگی حرفه‌ای خود سخن می‌گویند، به ویژه از این جهت که دین را نهادی مقدس، فراتراز مداخله غیرمذهبی می‌دانند که به واسطه معافیت‌های مذهبی از قانون تساوی جنسیتی، حمایت می‌شود [۳۰، صص ۴۰۶-۴۳۲].

براساس اطلاعات حاصل از هفده کشیش زن انگلیکن به بررسی چگونگی تبدیل لباس به عنوان ابزاری برای محرومیت زنان و نیز پذیرش در کلیسا می‌پردازد. موضوع اصلی اطلاعات اولیه، حاکی از چگونگی تشویق شرکت‌کنندگان برای نمایش بدن و ظاهری خنثی است. موضوع دوم فضاهای مقدسی بررسی می‌شدند که شرکت‌کنندگان با زنان سروکار دارند و نیاز است که زنان کشیش برخلاف زنان در سایر حرفه‌ها از خود قداست و نیز اقتدار حرفه‌ای نشان دهند، و اینجا است که بیشترین عکس‌العمل‌های خصومت‌آمیز نسبت به لباس زنان بروز می‌کند.

مناصب ارشد شغلی

تعدادی از کشیشان موجود در نمونه‌گیری تحقیق، پست‌های ارشد شغلی را تجربه کرده بودند. مشخص شده است که کشیش بخش شدن می‌تواند موجب استقلال شود. این استقلال می‌تواند با شروع به کار در پست بالاتر کاهش یابد. اغلب، در تعامل تقویت شده با مافوق‌ها و بعضی از کشیش‌ها حس می‌کردند که علی‌رغم ترفیع مقام، استقلال خود را از دست داده‌اند. برای مثال، به کیت وظیفه‌ای بالاتر داده شده بود، او به جایی منتقل شد که همکاران بیشتری داشت و به مافوقان نزدیک‌تر بود، کیت اظهار می‌کند که: کلیسای بخش، متعلق به خودم بود و می‌دانستم چگونه باید باشد... اما اینجا دیگران تصمیم می‌گیرند.

در حقیقت زنان اندکی دارای پست‌های ارشد هستند - در پست‌های ارشدی که

زنان امکان کار در آن‌ها را دارند فقط سه زن، رئیس کلیسای جامع (از ۴۴ رئیس کلیسای جامع) و ۱۵ زن معاون اسقف (از ۱۱۴ معاون اسقف) هستند. هرچند که مدت زمان بیشتری بود که آن‌ها در موقعیت متصدی سالانه اجتماع روحانیت منصوب می‌شدند (به عنوان مثال، مری جین گودلی به عنوان اولین متصدی زن اجلاس سالانه لندن در سال ۱۹۲۱) و آن‌ها اعضا جلسات جداگانه زنان بوده از اختیاراتی هم برخوردار بودند.^۱

اگرچه گروه‌های اولیه هوادار زنان کشیش در قالب رفتاری شدید و قوی نظر خود را بیان کرده‌اند، اما اغلب از طرف‌های زیرکانه‌تر مشارکت در راهبرد مدیریت موفق بهره می‌برند. به لحاظ شغلی، درک و تصور زنان از سازمان، تحت تأثیر جایگاه سازمانی آن‌ها است. می‌توان گفت کشیش بخش بودن بهترین مقام ساختاری برای زنان جهت اشتغال در کلیسا است، چرا که این مقام جایی است که مداخله اندکی از سوی سلسله مراتب کلیسایی وجود دارد. با وجود اینکه کشیشان بخش‌ها می‌بایست بین فرهنگ جماعت کلیسا و شخصیت اهالی بخش واسطه‌گری کنند، اما برای کشیشان در این مقام محدوده بیشتری جهت ایفای نقش بر اساس شرایط خودشان وجود دارد و می‌بینیم که به زبان حرفه‌ای به نظر می‌رسد که داشتن پست ارشد، ارتقا محسوب می‌شود، اما اینجا جایی است که احتمالاً به خاطر روبرو شدن با نظم جنسیتی کلیسا، زنان با محدودیت بیشتر مواجه می‌شوند. تجارب زنان در این مناصب نشان می‌دهد که آن‌ها باید مکرراً درباره مشارکت زنان با توجه به تبعیض بسیار، پشت درهای بسته مذاکره کنند. همچنین این احساس وجود دارد که مقامات ارشد بی‌واسطه‌تر در این وضعیت حضور دارند، به این معنا که، کشیشان شانس کمتری برای ایفای نقش بر اساس شرایط خود دارند [۱۴، صص ۲۹-۴۰].

نتیجه‌گیری

به باور مسیحیت خداوند ازدواج را مقرر کرد تا کمکی به ناتوانی انسان باشد. قوانین ایدئولوژی اصلاحات می‌گویند که سختگیری‌های قدیمی منع ازدواج به دلیل پیشگیری سیستمی بوده است که اگر ازدواج ممنوع نبود امکان داشت کلیساها فاقد کشیش شوند! آنچه مسلم است در ازدواج کشیشان اجحاف شده و خداوند ازدواج را امر فرموده است! در حالی که مجرد عامل بسیاری از فسادها و رسوایی‌های اخلاقی شده بود که مستحق مجازات بودند. از جمله مصوبات دیگر کنوانسیون عمومی در سال ۱۹۷۶ اجازه تشریفات

1. Larsen, Timothy; Ledger-Lomas, Michael (2017). p. 96.

زنان بوده است که در رتبه‌های کلیسا مجاز شناخته شد. اولین زنان در ۱۹۷۷ در جایگاه کلیسایی به مقام کشیشی منصوب شدند و اولین زنی که اسقف شد، باربارا هریس بود که در ۱۱ فوریه ۱۹۸۹ تقدیس گردید. در سال ۲۰۰۶ نیز کنوانسیون عمومی "کاتارین جفرتس" را به عنوان مقام اسقفی انتخاب کرد. در زمان تشکیل کلیسای انگلیکن در آمریکای شمالی، سه اسقف ایالات متحده زنان را به عنوان کشیش یا اسقف تعیین نکردند که به دنبال پی‌گیری اکثریت محافظه‌کاران هر سه اسقف پذیرا شدند. در ۱۶ مارس ۲۰۱۰، با تشریف مرگارت لی، اسقف اعظم کوئینسی ایلینوی، واقع در پئوریا زنان در ۱۱۰ کلیسای اسقفی ایالات متحده به عنوان کشیش منصوب شدند.

در سال ۱۹۷۶ کلیسای اسقفی در کنوانسیون عمومی موضوع جدیدی را به تصویب رسانید که همجنس‌گرایان! "فرزندان خدا" بوده، مستحق پذیرش و مراقبت شبانی از کلیسا و برابری در حمایت‌های قانونی هستند. اولین شخص همجنس‌گرا که آشکارا به عنوان کشیش منصوب شد، "الن بارت" در سال ۱۹۷۷ بود! با وجود چنین تصدیقی از حقوق همجنس‌گرایان، کنوانسیون عمومی در سال ۱۹۹۱ تأکید کرد که "مطرح کردن جنسیت" فقط در "اتحاد زن و شوهر" به صورت مادام‌العمر مناسب است.

این کلیسا در کنوانسیون عمومی سه ساله خود، در سال ۲۰۱۵ تغییرات شرعی را برای تأمین برابری ازدواج برای اسقف اعظم نیز به تصویب رسانید. این تغییرات شرعی که ازدواج را بین زن و مرد تعریف می‌کند را از بین برد! دو آئین ازدواج جدید، حاوی زبانی است که اجازه می‌دهد زوجیت در زوج‌های همجنس یا جنس مخالف استفاده شوند! البته روابط همجنس‌گرایان در کل کلیسای اسقفی یکسان نبوده، مخالفت‌هایی به وجود آمد. در سال ۲۰۱۸ قطعنامه‌ای صادر گردید که به کلیساها و روحانیون اجازه داده شد، تا با حمایت اسقف خود یا عدم حمایت وی، مراسم مذهبی برای زوج‌های همجنس برگزار نمایند.

منابع

- [۱]. مولند، اینار (۱۳۸۱). جهان مسیحیت. ترجمه: محمد باقر انصاری و مسیح مهاجری، چاپ دوم، انتشارات امیر کبیر.
- [۲]. برانتل، جورج (۱۳۸۲). آیین کاتولیک. ترجمه: حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات و تبلیغات ادیان و مذاهب.
- [۳]. روستن، لئو (۱۳۷۶). فرهنگ تحلیلی مذاهب آمریکایی. ترجمه: محمد بقائی، چاپ اول، تهران، انتشارات حکمت.

- [۴]. وان وورست، رابرت ای (۱۳۸۴). مسیحیت از لابه‌لای متون. ترجمه: جواد باغبانی و عباس رسول‌زاده، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- [5]. Aldridge, A. (1989) Men, women, and clergymen: opinion and authority in a sacred organization. *The Sociological Review*, 37,1.
- [6]. Barstow, Anne Llewellyn. *Married Priests and the Reforming Papacy*. NY: Edwin Mellen Press, 1982, p. 45.
- [7]. Britannica Encyclopedia of World Religions (2006). Encyclopedia Britannica INC.
- [8]. Brown, Stephen F. and Anatolios, Khaled (2009). *World Religions, Catholicism & Orthodox Christianity*. Chelsea House, 3rd ed.
- [9]. Bagilhole, B. (2006) Not a glass ceiling more a lead roof: experiences of pioneer women priests in the Church of England. *Equal Opportunities International*.
- [10]. Butt, C., Threlfall-Holmes, M. and Vasey-Saunders, L. (2004) Women priests: the next generation.
- [11]. Bock, E.W. (1967) The female clergy: a case of professional marginality. *American Journal of Sociology*,
- [12]. BLOHM Uta, 2005, *Religious Traditions and Personal Stories: Women Working as Priests, Ministers and Rabbis*, Frankfurt and Main, Peter Lang.
- [13]. correspondent, Harriet Sherwood Religion (February 19, 2019). "Vatican reveals it has secret rules for priests who father children" – via www.theguardian.com.
- [14]. COLLINSON David et HEARN Jeff, 1996, "Men at 'Work': Multiple Masculinities/Multiple Workplaces" in Máirtín MAC AN GHAILL (ed), *Understanding Masculinities*, Buckingham, Open University Press, pp. 61-73.
- [15]. Dowell, S. and Williams, J. (1994) *Bread, Wine and Women: The Ordination Debate in the Church of England*. London: Virago.
- [16]. FURLONG Monica, 1991, *A Dangerous Delight: Women and Power in the Church*, London, SPCK.
- [17]. Furlong, M. (1984) Introduction. In Furlong, M. (ed) *Feminine in the Church*, pp. 1- 10. London: SPCK.
- [18]. Jean Calvin, *Institutes of the Christian Religion*, IV,12,23–28.
- [19]. Lea, Henry C. *History of Sacerdotal Celibacy in the Christian Church*. Philadelphia: University Books. 1966, pp. 118, 126.
- [20]. Lewis (eds.) (2008). *The Routledge Companion to the Christian Gerard and Mannion*, 1, 2008 st ed). Church, Routledge.
- [21]. Marroni, Steve (2018). "20 offenders revealed in grand jury report in Greensburg Diocese". Pennlive.
- [22]. McGuckin, John Anthony (2008). *The Orthodox Church*, Blackwell, 1 st ed.
- [23]. Mannion Gerard and Mudge Lewis (eds.) (2008). *The Routledge Companion to the Christian Church*, Routledge, 2008, 1 st ed.).
- [24]. Marroni, Steve (2018). "20 offenders revealed in grand jury report in Greensburg Diocese". pennlive. Barstow, Anne Llewellyn. *Married Priests and the Reforming Papacy*. NY: Edwin Mellen Press, 1982, p. 45.
- [25]. Monger, G., 2013, *Marriage customs of the world: an encyclopaedia of dating customs and wedding traditions*, Kindle edn. Praeger, Santa Barbra, Denver & Oxford.
- [26]. Ridley, Jasper (1962). *Thomas Oxford*: Clarendon Press. OCLC 398369.
- [27]. Peyton, N. and Gatrell, C. (2013) *Managing Clergy Lives: Obedience, Sacrifice, Intimacy*. London: Bloomsbury T&T Clark.
- [28]. ROBBINS Mandy et FOWLER Christine, 2008, "Married with Children: The Experiences of Women Ministers of Word and Sacrament in the United Reformed Church", *Journal of Beliefs and Values*, vol. 29.

- [29]. Spielmann, R (1987). The Beginning of Clerical Marriage In the English Reformation: The Reigns of Edward and Mary, *Anglican and Episcopal History* Vol. 56, No. 3, ESSAYS IN MEMORY OF POWEL MILLS DAWLEY (September 1987), pp. 251-263.
- [30]. Stewart-Thomas, M. (2010) Gendered congregations, gendered service. *Gender, Work and Organization*, 17, 4.
- [31]. The nineteenth century | *Larsen, Timothy; Ledger-Lomas, Michael* (eds.)... 2017. Edição: . Editora: Oxford University Press. Idioma: english. Páginas:
- [32]. The Living Church, November 29, 1998, Dragging Out the Matter by David Kalvelage, 217(22) p. 13 ... David Kalvelage, editor.
- [33]. Wettinger, Godfrey (1977). "Concubinage among the Clergy of Malta and Gozo ca. 1420-1550" (PDF). *Journal of the Faculty of Arts. University of Malta*. 6 .
- [34]. WEBSTER Margaret, 1994, *A New Strength, A New Song: The Journey to Women's Priesthood*, London, Mowbray.